

## رسیدگی به جرایم تروریستی در چارچوب صلاحیت محاکم کیفری ملی و بین‌المللی

پیمان نامیان\* / علیرضا شکرپیگی\*\*

### چکیده

جرایم تروریستی یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین چالش‌های نظام بین‌المللی و دهشتناک‌ترین تهدید علیه حقوق و آزادی‌های اساسی ملت‌ها است. جامعه بین‌المللی که در نیمه دوم قرن بیستم با پدیده تروریسم مواجه شده بود، با پذیرش مجموعه‌ای از کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای، در قبال انواع خاص جرایم تروریستی و تعهد دولت‌ها، واکنش نشان داد. پس از حملات تروریستی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تلاش‌های جهانی علیه تروریسم افزایش یافت. البته ارتکاب این حوادث به‌نجوی بود تا جامعه بین‌المللی نسبت به شناسایی و سنجش تهدیدهای ناشی از جرایم تروریستی معاصر، تجدیدنظر در نظام و سازوکارهای حقوقی، امنیتی و فنی را در عرصه بین‌المللی و ملی طرح‌ریزی کند. جرایم تروریستی در حال حاضر به‌عنوان یک جرم معاهداتی قلمداد می‌شود که با توجه به معیار بین‌المللی و فراملی بودن آن، می‌توان آن را در قلمرو هر سرزمینی تحت تعقیب و رسیدگی قرار داد. البته این امر با توجه به وضعیت قانونی هر قلمرو سرزمینی به‌لحاظ پذیرش صلاحیت بین‌المللی در رسیدگی به جرایم تروریستی دارد. در ضمن، این دسته از جرایم، با توجه به اوصاف جرایم بین‌المللی این امکان را دارد که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرد.

### کلید واژه‌ها

جرایم تروریستی، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کنوانسیون‌های ضدجرایم تروریستی، صلاحیت قضایی، دیوان کیفری بین‌المللی.

\* استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

p-namamian@araku.ac.ir

\*\* استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

## مقدمه

علی‌رغم عدم دارا بودن معیار حقوقی جرایم تروریستی در جهان امروزی (کیخا و امیرمحمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۱) و مواجه بودن با چالش‌های امنیتی (اشرف‌الدین، حاجی‌تبارفیروزجائی و احسانپور، ۱۴۰۰: ۲۴۳)، جامعه بین‌المللی به دلایل عقیدتی یا سیاسی تاکنون نتوانسته به اجماعی در قبال جرایم تروریستی دست یابد و این موضوع همواره به عنوان یکی از مشکلات موجود در سرکوب این پدیده مطرح گردیده است. این پدیده به سبب پیوند آن با فناوری‌های نوین ضمن تبدیل به یک چالش راهبردی، سبب شده است گروه‌های کوچک اما با ساختارهای پیچیده را به بازیگران برجسته در گستره بین‌المللی مبدل سازد. امروزه خطر جرایم تروریستی در اشکال و سطوح مختلف تمام کشورها و نظام‌های سیاسی جهان را در معرض خطر قرار داده و هیچ سرزمینی از تهدید آن در امان نیست (صمدی و علمیار، ۱۴۰۰: ۹۳).

در گذشته نگاه دولت‌محور در ارتکاب آن حاکم بوده ولی با گسترش این جرم و فراملی شدن آن و استقلال بیشتر تروریست‌ها از دولت‌ها، جامعه بین‌المللی در پی آن است که در چارچوب حقوق بین‌الملل با این پدیده مبارزه نماید (فرهادنیا و هنجنی، ۱۳۹۸: ۷). در همین حال، محققین و علمای حقوق سعی بر آن داشته‌اند تا تعریف جامع و دقیقی از جرم تروریستی ارائه کنند که حاصل آن، تعاریف متعددی است که این در خصوص وجود دارد، اما در میان تعاریف ارائه شده می‌توان به تعریفی اشاره کرد که بر اساس آن، تروریسم عبارت است از: «رفتار خشونت‌آمیزی که از سوی فرد یا انگیزه ایجاد رعب و وحشت علیه دولت‌ها، غیرنظامیان، شهروندان و اموال صورت می‌گیرد و هدف غایی از ارتکاب آن، دستیابی به مقاصد سیاسی است» (کرم‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۶۷). البته بند دوم از ماده نخست «کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی» تروریسم را «به هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده اطلاق می‌شود که علی‌رغم مقاصد یا انگیزه‌اش به منظور اجراء طرح جنایی فردی یا گروهی که با هدف ایجاد رعب بین مردم یا تهدید به آسیب رساندن یا به خطر انداختن جان، حیثیت، آزادی‌ها، امنیت یا حقوق آنان، یا به خطر انداختن محیط زیست یا هرگونه تأسیسات یا اموال عمومی یا خصوصی یا اشغال یا تصرف آنها یا به خطر انداختن منابع ملی یا تأسیسات بین‌المللی یا تهدیدکردن ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام گیرد» اطلاق می‌کند. این در حالی است که وفق بند سوم از ماده اخیر «جرم تروریستی» را به معنای ارتکاب، آغاز یا مشارکت در هر جرمی است که به منظور تحقق هدف تروریستی در هر یک از کشورهای متعاقد یا علیه اتباع، داراییها یا منافع آن کشور یا تأسیسات و اتباع

خارجی مقیم در آن قلمرو که مطابق با قوانین داخلی آن کشور مشمول مجازات قرار می‌گیرد، صورت می‌پذیرد، تعریف می‌کند.

با این حال، امروزه به جهت گسترش جرایم تروریستی در سراسر جهان ضرورت ارائه تعریفی جامع از آن به سهولت آشکار است که در این رابطه می‌توان از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای کمک گرفت. از اینرو با توجه به کثرت اسناد مذکور در زمینه مقابله با جرایم تروریستی، این اسناد اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند؛ این اهداف واکنش در قبال فراملی شدن جرایم تروریستی از طریق بین‌المللی نمودن مقابله با جرایم تروریستی می‌باشد. با این حال به جهت فقدان هرگونه تعریفی از جرایم تروریستی، دولت‌ها اطمینان کافی نسبت به محاکم بین‌المللی برای محاکمه تروریست‌ها را ندارند. البته می‌توان اظهار داشت که گسترش تعاریف تروریسم در حقوق بین‌الملل و در سراسر حوزه‌های قضایی داخلی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تضعیف اقدام جمعی در حقوق بین‌الملل و در عین حال تقویت تعقیب یکجانبه تروریسم دارد (Baumer-Schuppli, 2020: 23).

نکته حائز اهمیت اینکه تا پیش از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جرایم تروریستی پدیده‌ای داخلی به شمار می‌رفت، اما پس از آن به پدیده‌ای جهانی مبدل گردید. بر همین اساس بی‌شک آثار دائمی را بر نظام بین‌المللی بر جای نهاد. از اینرو برخی معتقدند با بروز این حوادث حقوق بین‌الملل سنتی به حاشیه رانده شد؛ چرا که توانایی واکنش به حملات تروریستی مزبور را نداشت و بر این اساس عاجز از تعیین ماهیت حقوقی آن بود. از دیدگاه این گروه حوادث مذکور موجب ظهور حقوق بین‌الملل نوینی گردید. اما با گذشت زمان برخی دیگر از نظریه‌پردازان تصریح نمودند که در مقابل اسناد بین‌المللی موجود راه‌حلهایی برای موضوع مطروحه وجود دارد که به مثابه واکنشی در تقابل با شرایط جدید می‌توانند به گونه‌ای مناسب تفسیر و اجرا شوند (Shane, 2009: 99-102).

به‌دیگر تعبیر، کلیه اسناد و مراکز حقوقی بین‌المللی باید حوادث فوق را تحت بررسی و ارزیابی قرار دهند، حتی اگر این ارزیابی از طریق «تفسیر اصول و مقررات فعلی» نه «وضع مقررات جدید» صورت پذیرد. با این حال یکی از اهداف مبارزه با جرایم تروریستی دفع حمله دشمن و امحای آن می‌باشد و اگر حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اقدامات مشابه بعدی در هر جای جهان در چارچوب حقوق بین‌الملل تفسیر شود نه تنها موجبات مقابله ثمربخش فراهم می‌گردد، بلکه به تقویت، توسعه و تکامل نظام بین‌المللی کمک خواهد کرد. بر این اساس، صاحب‌نظران حقوقی در سراسر جهان باید صرفاً تفاسیری را ارائه نمایند که در راستای موازین حقوق بین‌الملل می‌باشد. البته به جای پذیرش

راهکارهای جدید و ابتکاری، این روش را تقویت نموده تا از خسارات وارده به حقوق بین الملل پیشگیری شود.

این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی، مبادرت به سنجش اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج نگارنده از منابع و متون اعم از مقالات و کتب موجود شده است. از اینرو، روش پژوهش، از نظر هدف، توسعه‌ای و از حیث گردآوری داده‌ها، توصیفی و کتابخانه‌ای است.

### ۱. تحولات و ریشه‌ها

جرایم تروریستی، پدیده غالب عصر حاضر، علی‌رغم جهان‌شمولی و ماهیت تهدیدانگازانه و منفی خود، هنوز هم تعریف مشخص و یکسانی در جامعه جهانی ندارد. در حالی که ابزارهای جهانی شدن امکانات لازم را برای جهان‌شمولی جرایم تروریستی فراهم آورده، مبارزه با جرایم تروریستی منحصر به مرزهای ملی مانده که به نظر می‌رسد ناتوانی در اجماع بین‌الملل بر تعریفی واحد از جرایم تروریستی، عامل اصلی و اولیه آن باشد (Hafetz, 2015: 159).

با این حال، جرایم تروریستی پدیده جدیدی نیست، بلکه قدمت آن به درازای حیات اجتماعی بشر می‌رسد (ر.ک: کهندانی و رضوی‌فرد، ۱۳۹۹: ۱۶۱-۱۵۹). بر اساس گفتمان مذاهب ابراهیمی، «هابیل» اولین قربانی تروریسم به شمار می‌آید. با این حال، جرایم تروریستی به همه اعصار، قاره‌ها و آئین‌ها تعلق دارد. به علاوه، این پدیده در اشکال گوناگون هم‌زاد و همراه با تاریخ جوامع بشری، نظام‌های سیاسی و قدرت بوده است. از اینرو، دولت‌ها و دستگاه‌های ارتباط جمعی غرب متکی بر این اعتقاد است که جرایم تروریستی پدیده‌ای بوده که در حال توسعه است و به‌طور عمده اهداف خود را معطوف جمعیت بی‌گناه می‌نماید تا به مقاصد خود جامه عمل بپوشاند.

جرایم تروریستی در دوران جدید ریشه در تحولات قرن هجدهم میلادی دارد. در اواخر دهه اخیر چندین تحول عمده مذهبی و سیاسی به وقوع پیوست که موجبات ایجاد وضعیتی مساعد برای تلقی جرایم تروریستی از سوی غرب را فراهم نمود. از اینرو، بر اساس نظریات کارشناسان غربی عواملی نظیر دگرگونی‌های بسیار گسترده تاریخی، تغییرات عقیدتی و در نهایت پیشرفت در علم و فناوری

<sup>۱</sup> تحولات فوق شامل ۱. بنیادگرایی اسلامی ناشی از یک واکنش خشونت‌آمیز علیه غرب‌زدگی و تجددگرایی و ۲. تمایل شمار کثیری از جوانان کشورهای توسعه‌نیافته در کل جهان به سوی «رادیکالیسم» است.

موجب پیدایش و زمینه رشد فزاینده جرایم تروریستی می باشند. از این گذشته در نظر برخی از صاحب نظران ظهور اقدام‌های تروریستی معلول چهار علت است (Cassese, 1989: 3-4):

الف- وجود دولت‌های به شدت اقتدارگرا و نابرابری عمیق اجتماعی و اقتصادی در آنها؛  
ب- گسست فزاینده مراکز قدرت در سطح بین‌المللی<sup>۱</sup> و در نتیجه افزایش قطب‌های منافع که مشخصه دوره جنگ سرد بود.

ج- ناتوانی نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد در ارائه پاسخ مناسب به درخواست ملت‌ها برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه بین‌المللی و عدم وجود سازوکارهای پیشگیرانه برای ممانعت از افزایش منازعات اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی.  
علاوه بر این، چندین عامل موجب گردید تا پدیده جرایم تروریستی گسترش یابد که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌گردد (آزمایش، ۱۳۸۰: ۱۹۱-۱۸۹):

الف- در ابتدا باید تحولات شبکه‌های بین‌المللی مجرمانه نظیر شبکه‌های مافیایی را در نظر گرفت؛ چرا که این‌گونه تشکیلات دارای اساسنامه و مقررات داخلی می‌باشند. در ضمن، قواعدی خاص بر آنها حاکم است که در صورت تخلف از آن فرد خاطی محکوم به مجازات می‌گردد. با این وجود این شبکه‌ها ضمن گسترش، نحوه عملکردشان نیز تغییر پیدا کرده و حتی داخل دولتها نفوذ کرده‌اند.  
ب- طی دهه‌های اخیر، دیدگاه‌های برتری‌جو در سطح بین‌المللی، جرایم تروریستی را مورد استفاده قرار داده‌اند؛ سابقه این امر به زمانی بر می‌گردد که جهان دوقطبی نبوده، با این وجود، این پدیده در حال توسعه است و یکی از عوامل آن توسل به عقاید برتری‌جویی است.

ج- حمایت مستقیم و غیر مستقیم در زمینه تامین مالی از سوی دولتها در رشد و گسترش روزافزون جرایم تروریستی بسیار موثر بوده است. از اینرو، حمایت و سازماندهی جرایم تروریستی، متأسفانه برخی اوقات توسط دولت‌ها رخ می‌دهد و بر همین اساس دولتها توانایی‌های خود را در این زمینه وسعت می‌دهند که این امر موجبات گسترش جرایم تروریستی را فراهم می‌نماید (Gordon 2008: 699-701).

د- دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی پس از فروپاشی شوروی سابق و انتشار اطلاعات علمی راجع به این گونه تسلیحات، خود موجب گسترش تهدیدات ناشی از کاربرد سلاح‌های مزبور در جهت

<sup>۱</sup> این مراکز به حمایت از گروه‌های شورشی سایر دولت‌ها که ریشه‌ها یا علایق سیاسی، مذهبی یا عقیدتی مشترک داشتند، می‌پرداختند و از آن‌ها همانند ابزاری برای اعمال سیاست‌های خود استفاده می‌نمودند.

نامشروع می باشد که این امر از موجبات تسهیل ارتکاب جرایم تروریستی به شمار می آید و در نتیجه آن را گسترش می دهد.

هـ- نظام بین المللی حاکم بر جهان که هدف نخست آن کسب منافع می باشد و عدم اهمیت به اینکه منافع مزبور از چه طریقی و به چه نحوی تحصیل گردد، یکی از علل تسهیل ارتکاب جرایم تروریستی می باشد.

ر- در نهایت، گسترش ابعاد استفاده از اینترنت، موجبات سهولت در ارتکاب جرایم تروریستی را فراهم نموده است.

با این همه، تأمین مستمر منابع برای گروه‌های تروریستی توسط برخی از کشورها بر خلاف دستورات سازمان‌های حقوقی بین‌المللی موجود، به عنوان مانعی برای مبارزه جهانی علیه تروریسم عمل می‌کند. بنابراین، قطع حمایت دولت از تروریست‌ها شرط لازم برای دستیابی به موفقیت در مبارزه جهانی علیه تروریسم است. انجام این امر مستلزم تقویت مقررات بین‌المللی در پیشگیری و سرکوب جرایم تروریستی، افزایش روابط دیپلماتیک برای افشای کشورهای درگیر، اعمال و اجرای تحریم‌های شدید علیه کشورهای حامی، کاهش مداخله این کشورها در فعالیت‌های سایر کشورها، افزایش کمک به کشورهای شکست‌خورده و کاهش کمک‌ها به کشورهای درگیر است. از اینرو، قطع حمایت‌های دولتی از تروریست‌ها عامل اصلی دستیابی به موفقیت در مبارزه جهانی علیه تروریسم است (Hanson, 2020: 132).

## ۲. کنوانسیون‌های بین‌المللی؛ از تصویب تا محتوا

کنوانسیون‌های بین‌المللی برای ممانعت از هرگونه اقدام مغایر صلح و ناقض امنیت، ثبات و نظم جامعه جهانی، اقسام متعدد جرایم تروریستی را نفی و از اعضای جامعه بین‌المللی می‌خواهند تا تدابیر حقوقی و فنی لازم برای پیشگیری و مجازات مرتکبان آن را فراهم سازند (خالقی، ۱۳۹۹: ۲۶).

از اینرو، گسترش هواپیماربابی در دهه شصت و هفتاد میلادی منجر به پذیرش سه کنوانسیون بین‌المللی در سال‌های ۱۹۶۳، ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ به ترتیب موسوم به «کنوانسیون توکیو»، «کنوانسیون لاهه» و «کنوانسیون مونترال» گردید. اگرچه تلاش‌های سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری برای تشدید این اقدامات علیه مرتکبان و کشورهای حامی که به آنها پناه می‌دهند تاکنون با شکست مواجه گشته، اما این سه کنوانسیون را می‌توان از موفقیت محدودی برخوردار دانست (شاو، ۱۳۷۴: ۴۳۴-۴۳۳). دیگر معاهدات بین‌المللی مرتبط با ارتکاب جنایات گروگانگیری، جنایت بر علیه دیپلماتها و دیگر اشخاص تحت حمایت

بین‌المللی، تروریسم دریایی، حملات تروریستی در اماکن عمومی و تأمین مالی تروریسم می‌باشند. علاوه بر این، همان‌طور که بیان شد چند قطعنامه و بیانیه از سوی مجمع عمومی ملل متحد در خصوص جرایم تروریستی وجود دارند (Robinson, 2002: 510-513). با وجودی که قطعنامه و بیانیه‌های مجمع عمومی هستند اعتبار قانونی لازم را نداشته و برای دولت‌های عضو ملل متحد لازم‌الاجرا نمی‌باشند. البته توصیه‌ای بودن اسناد مذکور، موجبات عدم اجرای آنها را فراهم نمود. از این گذشته چند اسناد منطقه‌ای در باب تروریسم در آمریکای لاتین، اروپا و آسیا وجود دارند که شامل «کنوانسیون اروپایی سرکوب تروریسم»، «کنوانسیون سازمان کشورهای آمریکایی در خصوص منع و مجازات اعمال تروریستی که شکل جرایم علیه اشخاص را به خود گرفته، و اخاذی‌هایی که دارای اهمیت بین‌المللی هستند»، «کنوانسیون منطقه‌ای سارک برای همکاری منطقه‌ای جهت سرکوب تروریسم»، «کنوانسیون عربی سرکوب تروریسم»، «معاهده همکاری میان دولت‌های عضو کشورهای مستقل مشترک المنافع برای سرکوب تروریسم»، «کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی برای سرکوب تروریسم بین‌المللی» و «کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در منع و مبارزه با تروریسم» می‌باشد.

از طرفی تجربیات گذشته ثابت کرده که جرایم تروریستی یک موضوع همیشه متغیر و در حال تحول است. تروریست‌ها اهداف و روش‌های جدیدی را برای به انجام رساندن حملات پیدا می‌کنند. بنابراین، رویکرد موضوعی آنقدر کند است که نمی‌تواند چنین تغییر و تحولاتی را شامل شود. جامعه جهانی باید به جای واکنش و مقابله، توانایی اقدام به عمل را بر اساس طرح موجود داشته باشد. تعریف جرایم تروریستی باید در صدر برنامه‌ها قرار گیرد و اولین گام به سوی کاهش یا امحای موفقیت‌آمیز جرایم تروریستی باشد (Alizade, 2023).

از سال ۱۹۶۳ تاکنون جامعه جهانی سیزده کنوانسیون بین‌المللی را برای جلوگیری از وقوع اعمال تروریستی تدوین نموده است. این کنوانسیون‌های بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی آن و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشته و برای مشارکت کلیه دولت‌ها عضو آزاد می‌باشد. در سال ۲۰۰۵، جامعه بین‌المللی همچنین تغییرات اساسی را در خصوص سه مورد از این ابزارهای بین‌المللی انجام داد و در هشتم جولای همان سال دولت‌ها اصلاحیه‌هایی را در رابطه با کنوانسیون راجع به حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای تصویب نمودند. در حال حاضر دولت‌های عضو مشغول مذاکره در رابطه با چهاردهمین کنوانسیون بین‌المللی در این ارتباط هستند. این کنوانسیون در واقع کنوانسیون جامعی در خصوص مقابله با تروریسم بین‌المللی می‌باشد. این کنوانسیون چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی موجود را کامل کرده و بر اساس اصول راهبردی

کلیدی مندرج در کنوانسیون‌ها بنا خواهد شد. از جمله این راهبردهای کلیدی که در این دسته از کنوانسیون‌های بین‌المللی به عنوان مبنای کار موجود می‌باشد، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف- جرم‌انگاری اقدام‌های تروریستی؛

ب- قابل مجازات نمودن این اقدام‌ها و درخواست تحت پیگرد قرار دادن و یا استرداد عاملین؛

ج- ضرورت حذف قوانینی که باعث ایجاد استثنائاتی در این خصوص بر اساس ملاحظات سیاسی، فلسفی، عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی و یا زمینه‌های مشابه دیگر می‌گردد؛

د- درخواست مؤکدانه از دولت‌ها برای توسل به راهبردهایی راجع به مقابله بین‌المللی؛

ه- تأکید بر ضرورت همکاری، تبادل اطلاعات و فراهم آوردن کمک‌های لازم در خصوص پیشگیری، انجام تحقیقات و مورد تعقیب قرار دادن بین‌المللی.

این معاهدات بیش از پنجاه جرم را تعریف می‌کنند که عبارتند از: ده جرم علیه ایمنی هواپیمایی کشوری، شانزده جرم علیه کشتی‌رانی یا سکوهای مستقر در فلات قاره، دوازده جرم علیه اشخاص، هفت جرم مشتمل بر استفاده، مالکیت یا تهدید به استفاده از بمب یا مواد هسته‌ای و دو جرم در رابطه با تأمین مالی تروریسم.

تعهد اصلی مقرر در معاهدات بین‌المللی ضد تروریسم، گنجاندن جرایم مقرر در معاهده مورد نظر حقوق کیفری داخلی و مجازات‌پذیر کردن آنها به وسیله احکامی است که شدت جرم را منعکس می‌کنند. دولت‌های عضو معاهدات مزبور نیز توافق کرده‌اند در ایجاد «صلاحیت قضایی جهانی» در خصوص این جرایم مشارکت داشته باشند؛ یعنی اخذ اقدامات لازم برای دادن صلاحیت قضایی بسیار گسترده به محاکم در خصوص جرایم مورد بحث شامل صلاحیت قضایی مبتنی بر درون مرزی بودن، صلاحیت قضایی مبتنی بر ملیت مجرم و قربانیان و برطبق بیشتر معاهدات، صلاحیت قضایی مبتنی بر حضور محض فرد مظنون در قلمرو کشور را شامل می‌شود. معاهدات و اسناد بین‌المللی در مورد جرایم تروریستی مشتمل بر سیزده کنوانسیون و پروتکل بین‌المللی و همچنین یک پیش‌نویس بوده که ضمن اشاره دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش سالیانه خود، خواستار الحاق دولت‌ها به آنها را خواستار گردیده است (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۳۶).

آنچه که در بیشتر این کنوانسیون‌ها به عنوان شاخص حقوقی به شمار می‌رود آن است که «دولت‌های عضو را متحد می‌سازد برای اینکه دولت‌ها سوابق جنایی و کیفری برای مجرمین تروریست تشکیل دهند و مجرمین را با محاکمه و یا به دولت متبوع آنها تسلیم کنند. البته دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد که در مقابله با جرایم تروریستی با یکدیگر همکاری نمایند» (همان: ۱۴۱).



دست‌آورد مهم کنوانسیون‌های بین‌المللی جرایم تروریستی سازمان ملل متحد، علاوه بر جرم‌انگاری انواع گوناگونی از اقدام‌های تروریستی، غلبه بر موانع قضایی برای محاکمه جرائم مرتبط با این نوع از جرایم بوده است. از اینرو، می‌توان اذعان داشت هدف اصلی کنوانسیون‌ها، ایجاد دریچه‌ای برای همکاری میان دولت‌ها و مقامات قضایی و اجرایی آنها است. بنابراین، موفقیت این همکاری‌ها در گرو این امر است که تا حد ممکن تعداد بیشتری از دولت‌ها در این همکاری‌ها شرکت کنند. در غیر این صورت قواعد و مقررات این کنوانسیون‌ها، با توافقات دوجانبه و چندجانبه‌ای که در خصوص معاضدت قضایی یا استرداد مجرمین وجود دارد، تفاوت چندانی ندارد.

در صورت عدم توافق در مورد جرم عمومی جرایم تروریستی، جامعه بین‌المللی یک رویکرد واقع‌گرا را برای جرم‌انگاری انواع ویژه‌ای از اقدام‌های تروریستی به کار گرفته است. این امر به واسطه کنوانسیون‌های ضدجرائم تروریستی میسر گشته که از دهه شصت تحت نظارت سازمان ملل متحد منعقد گردیده‌اند. شیوه اخیر تصریح می‌کند که این اسناد برای تلاش‌های بین‌المللی معاصر برای مبارزه با جرایم تروریستی ضروری و لازم تلقی می‌شوند. شورای امنیت به صورت مکرر از تمام کشورها دعوت کرده تا عضو اسناد مذکور شوند (Krzan, 2020).

از دیرباز کشورها بر جرائم مرتبط با اقدام‌های تروریستی ارتكابی در قلمرو سرزمینی اعمال صلاحیت کرده‌اند. در رابطه با جرائمی که در خارج از مرزهای یک کشور واقع شده‌اند بعضی دولت‌ها خواهان اعمال صلاحیت بر این مبنا بوده‌اند: که مجرم تبعه کشور باشد؛ یا اینکه امنیت کشور و تمامیت نهادها و مؤسسات آن تهدید شده باشد؛ یا اینکه قربانی یا قربانیان جرم تبعه کشور بوده باشند. به هر حال، عدم هماهنگ‌سازی کلی در اعمال صلاحیت در مورد جرائم تروریستی و مهم‌تر اینکه، توداری از نظر اعمال صلاحیت بر اساس بازداشت محض فرد متهم به ارتکال یک جرم تروریستی، صرف‌نظر از محل وقوع جرم وجود دارد. در واقع به موجب حقوق بین‌الملل، مبنای اعمال صلاحیت جهانی به چند جرم منتخب و برگزیده نظیر دزدی دریایی و نسل‌کشی محدود می‌باشد و به طور کلی به جرایم تروریستی تعمیم نخواهد یافت (Simon, 2016: 142-143).

بنابراین، کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدجرائم تروریستی سازمان ملل متحد سعی دارند با توسعه مبنا و اساس صلاحیت قضایی کشورها در مورد جرایم تروریستی این مشکلات را مرتفع نمایند، از جمله در جایی که رابطه‌ای میان مجرم و کشور دستگیر کننده او وجود ندارد، مگر حضور محض مجرم فراری در قلمرو سرزمینی که وی را دستگیر می‌کند (Roele, 2022: 281-282).

مقررات قضایی فوق در یک چارچوب بسیار گسترده شکل می‌گیرند و برای به حداکثر رساندن امکانات محاکمه جرایم تروریستی منظور شده که از طریق موارد ذیل صورت می‌پذیرد:

الف- با تضمین اینکه جرایم مربوطه در مقررات کیفری داخلی گنجانده، شده‌اند؛

ب- با اطمینان یافتن از اینکه دولت‌ها از صلاحیت قضایی در مورد جرایم مربوطه برخوردار هستند و آن را اعمال می‌کنند؛

ج- با اطمینان از اینکه دولتی که مجرم را در بازداشت دارد یا او را محاکمه خواهد کرد یا او را به قصد محاکمه شدن مسترد خواهد کرد؛

د- با تضمین اینکه وقتی کشور بازداشت‌کننده محاکمه را انجام ندهد توافقنامه‌های استرداد مجرم به طور مؤثر عمل خواهند کرد.

به هر روی، هرچند تمام کنوانسیون‌ها راهبردهای کاملاً مشابهی را به کار می‌بندند، اما می‌توان آنها را به دو نسل متفاوت تقسیم بندی کنیم. نسل اول کنوانسیون‌ها که از کنوانسیون‌های ضد جرایم تروریستی به کار رفته در واکنش به گسترش روزافزون هواپیماربایی در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی الگو برداری کرده‌اند، چارچوب پایه را برای کلیه کنوانسیون‌های ضد جرایم تروریستی بنا نهاده‌اند که هم از نظر مقررات تدوینی صلاحیت قضایی و تعهد اصلی در قبال یا محاکمه یا استرداد مجرمین متهم به تروریست ایجاد شده‌اند. مشخصه نسل اول کنوانسیون‌ها مشمول معافیت جرم سیاسی از تعهد در قبال استرداد مجرم فراری است. این دکترین که در قرن نوزدهم توسط کشورهای لیبرال دمکرات ابداع و مطرح گردید خواهان جلوگیری از استفاده از رویه‌های قضایی برای استرداد مجرمین متهم به مخالفان سیاسی آنها است. در مقابل، نسل جدید کنوانسیون‌های ضد جرایم تروریستی که از اواخر دهه نود میلادی به کار بسته شده‌اند سعی دارد چارچوب حقوقی را با از میان برداشتن معافیت جرم سیاسی و سایر موانع موجود بر سر راه محاکمه کارآمد و مؤثر مجرمین تروریست، تقویت کند (Saul, 2020: 181-182).

### ۳. صلاحیت قضایی محاکم؛ مبنا و معیارهای حقوقی

بخش قابل توجهی از منشأ و خاستگاه رسیدگی قضایی به جرایم تروریستی را باید در سیاست و نگرش سیاستمداران به پدیده بزهکاری و به‌ویژه جرایم تروریستی جستجو نمود. بنابراین، می‌توان به نقش قابل توجه و غیرقابل انکار سیاست بر نظام عدالت کیفری نسبت به جرایم تروریستی اشاره کرد. در واقع، مقامات سیاسی و حاکمیتی برخی کشورهای طلایه‌دار مبارزه با تروریسم، در کلیه مراحل (اعم از

جرمانگاری و کیفرگذاری تا رسیدگی شکلی و ماهوی و صدور رأی و اجرای آن) مداخله نموده و دلیل آن را تأمین و بازگرداندن امنیت از دست‌رفته توسط تروریست‌ها می‌دانند (میرمحمدصادقی و قدیری بهرام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۹).

از این روی، جرایم تروریستی در اشکال حاد آن می‌تواند در بر دارنده انواع جرایم بین‌المللی باشد. نظام عدالت کیفری بین‌المللی از یک سو با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و از سوی دیگر با تجویز صلاحیت فرامرزی در قالب اصول صلاحیت کیفری برای توسعه صلاحیت محاکم کیفری ملی، درصد تأمین عدالت کیفری و پرهیز از بی‌کیفری مرتکبان جرایم بین‌المللی است. در ضمن، دیوان کیفری بین‌المللی توقع پیشگیری مؤثر از وقوع جرایم بین‌المللی را افزایش داد، اما باید اذعان داشت، عدم شمول صلاحیت آن لاقلاً بر اشکال حاد جرایم تروریستی، نقص بزرگی است (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۴۹). اعمال صلاحیت کیفری توسط دیوان به‌عنوان یک مرجع دائمی و نیز از سوی محاکم کیفری ملی می‌تواند در مقابله و پیشگیری از جرایم بین‌المللی، نقشی سازنده ایفا کرده، نظام عدالت کیفری بین‌المللی را در تحقق هدف پیشگیری از بی‌کیفری یاری رساند (همان: ۱۷۱-۱۷۰).

### ۳-۱. قواعد و مبانی کلی

«آیا صلاحیت قضایی بر طبق نوع تهدید یا صدمات وارده، یا نوع تأثیری که جرم بر روی کشوری یا بر روی جامعه بین‌المللی ایجاد می‌کند، قابل توجیه است؟» این سؤال را برای طبقه بندی جرایم تروریستی آشکار می‌کند. آن جرایم تروریستی که اصول و ضوابط لازم‌الرعايه حقوق بین‌الملل را نقض و به منافع بنیادین جامعه بین‌المللی تجاوز می‌کنند مشمول صلاحیت جهانی می‌شوند چون در کل به منافع جامعه بین‌المللی لطمه وارد می‌کنند (Gordon, 2008: 882-884).

در واقع جرائمی که موجب اعتراض جهانی می‌شوند دارای برخی عناصر مشترک می‌باشند: این جرائم فی‌نفسه به دقت تعریف می‌شوند و در سطح جهانی مورد قبول قرار می‌گیرند و صلاحیت جهانی جهت محاکمه چنین جرائمی به عهده محاکم بین‌المللی با ویژگی فراملی یا محاکم ملی دارای صلاحیت جهانی خواهد بود (Helfer & Slaughter, 2005: 93). جرم نسل‌کشی، جرایم ضد بشری، شبه جرم (شکنجه)، جرایم جنگی و اعمال تجاوزکارانه گونه‌هایی از اعمال کیفری هستند که در صلاحیت محاکمی نظیر دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارند.

این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که «آیا جرایم تروریستی به این دسته از جرایم تعلق دارد؟» پیش از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بسیاری از کشورها در صورت احراز برخی شرایط، اقدامات جنایی را تا حد جرایم تروریستی ارتقا می‌دادند. به طور معمول جرایم تروریستی در نظام و

حقوق داخلی شناخته می‌شد و کشورها نسبت به تعقیب اعمال تروریستی بی‌ارتباط با خود اکره داشتند، اما پس از آن وضع موجود تغییر کرد و قانون‌گذاری در سراسر دنیا از حالت انفعال خارج شد. به‌ویژه قانون‌گذاری ضد جرایم تروریستی در صورت تشخیص یک ویژگی فراملیتی نظیر ارتباط با سازمان‌های تروریستی خارجی و داخلی، جرائم تحت لوای حقوق عادی را تا سطح جرایم تروریستی ارتقاء داد (Zagaris, 2008: 115-116).

### ۲-۳. محاکم کیفری ملی

صلاحیت قضایی به موجب قانون‌گذاری ملی، وظیفه اقدام علیه مرتکبین جرائم برون مرزی را بر یک کشور تحمیل نمی‌کند. چنین قانونی به جای موظف کردن کشور ما اختیار محاکمه و مجازات مجرمین را بر اساس حقوق بین‌الملل به آنها می‌بخشد (Golden, 2008: 1159-1160).

اما خطری ذاتی در اعمال صلاحیت جهانی در یک دادگاه قضایی داخلی در خصوص اعمال تروریستی بین‌المللی وجود دارد. کابوس امپریالیسم بر اقدام قدرت‌های جهان به خصوص آمریکا جهت جوابگو دانستن مرتکبین جرایم تروریستی به علت اعمالی که در خارج از خاک مستقل کشور محاکمه‌کننده به وقوع پیوسته‌اند سایه می‌افکند. «اوستن پریش» این نکته مهم را مطرح کرده که به کارگیری حقوق آمریکا در خارج از خاک این کشور ظاهر یک ابزار یک‌جانبه برای سلطه آمریکا را دارد (Parrish, 2009: 866-867).

با این حال، به‌نظر می‌رسد چنانچه صلاحیت جهانی در چارچوب شرایط حقوقی آن اعمال گردد می‌تواند در تحقق بخشیدن به وظیفه مشترک تأمین صلح و امنیت بین‌المللی توسط جامعه بین‌المللی نقش بسزایی داشته باشد تا از این طریق نیاز کمتری به نقش‌آفرینی نهادهای سیاسی و قضایی نظیر شورای امنیت ملل متحد و دیوان بین‌المللی کیفری احساس گردد. اعمال صلاحیت جهانی در محاکم ملی بیشتر با ایده حمایت از حاکمیت ملی دولت‌ها اقربا دارد و با ضمانت و سرعت بیشتری می‌تواند در مبارزه با بی‌کیفری بین‌المللی نقش‌آفرینی نماید. هرچند جهت‌گیری سیاست کیفری بین‌المللی به سوی محاکمه بین‌المللی در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی است، اما در حال حاضر محاکم ملی در اعمال صلاحیت جهانی جایگاه ممتازی دارد و به‌همین دلیل اعمال صلاحیت جهانی مورد تشویق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز قرار گرفته است (ضیایی و حکیمی‌ها، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

### ۳-۳. دیوان کیفری بین‌المللی

ارتقای بین‌المللی تا سطح دادگاه‌های دارای صلاحیت جهانی نظیر دیوان کیفری بین‌المللی چندین نقص دارد، از یک جهت چنین اقدامی دشوار است؛ زیرا جرائمی که تحت صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند جرائم مغایر با اصول و ضوابط لازم الرعایه حقوق بین‌الملل هستند که به قدری غیرقانونی می‌باشند که وجدان جهانیان را شوک زده می‌کنند و برای تمام انسان‌ها نوعی هتک حرمت به شمار می‌روند.

اغلب جرائم بین‌المللی را به افرادی ربط می‌دهند که مسند قدرت را اشغال کرده و با اتکاء به موقعیت خود مرتکب این جرائم می‌شوند و یا اینکه ظاهر قدرت را در داخل یک کشور دارند و مرتباً ادعا می‌کنند برای حفظ امنیت ملی و منافع ملت عمل کرده‌اند. در چنین مواردی باید این مسأله را مطرح کرد که «آیا صلاحیت قضایی داخلی ضمانت کافی برای حفظ ارزش‌های ذاتی برای جامعه بین‌الملل را محفوظ می‌دارد و از تخلفات بیشتر بدون کمک سایر کشورها یا حوزه‌های قضایی فراملی پیشگیری به عمل می‌آورد؟» در مقابل، افراد متهم به جرائم فراملی به طور کلی انگیزه‌ای برای ارتکاب چنین اعمالی نه در رابطه با مسند قدرت خود و نه برای حفظ منافع ملت یا امنیت ملی، به طور کلی انگیزه‌ای ندارند. در حقیقت انگیزه آن اهداف شخصی و به دلیل آزمندی، انزجار، بلندپروازی، و دیگر اهداف شخصی است.

پیش‌نویس ۱۹۹۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه شده جرایمی را که باید در دیوان کیفری بین‌المللی دادرسی شوند تعریف نکرده است.<sup>۱</sup> تنظیم‌کنندگان این پیش‌نویس تصور می‌کردند جرائم تعریف شده توسط معاهدات بین‌المللی اجرایی به همراه جرائم مندرج در پیش‌نویس آیین‌نامه جرایم ضد صلح و امنیت بشری که کمیسیون حقوق بین‌الملل در روند تنظیم آن بود<sup>۲</sup> و جرائمی که جزوی از حقوق بین‌الملل عرفی لحاظ شده‌اند باید صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی را تشکیل دهند. از همان آغاز نمایندگان اعزامی که در کمیته مقدماتی پیش از رُم (۱۹۹۵) و کمیته مقدماتی (۹۸-۱۹۹۶) شرکت کردند شدیداً از

<sup>۱</sup> Draft Statute for an International Criminal Court, Rep. of the Int'l Law Comm'n, 46th Sess., U.N. Doc A/49/10, U.N. GAOR, 49th Sess., Supp. No. 10 (1994) [hereinafter Draft Statute].

<sup>۲</sup> See Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind, U.N. GAOR 51st Sess., Supp. No. 10, U.N. Doc. A/51/10, at 14 (1996).

درج تعاریف جرائمی که باید دادرسی شود در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حمایت کردند. از همه مهم‌تر اینکه این مشمولیت عدالت را در حق شاخه حقوقی اصل «مشروعیت» ادا می‌کند. با این اوصاف، پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که توسط کمیته به رُم تسلیم شده شامل مقرره‌های ذیل است: «بنابر اهداف اساسنامه حاضر جرایم تروریستی بدین معنا هستند:

۱. اقدام، سازماندهی، حمایت، نظم‌دهی، تسهیل، تأمین مالی، ترویج اعمال خشونت آمیز علیه یک کشور دیگر، با هدف حفظ جان و مال مردم و دارای ماهیتی برای ایجاد رعب و وحشت یا ناامنی در اذهان شخصیت‌های دولتی، گروه‌هایی از افراد، عموم مردم یا جمعیت‌ها، با هر گونه ملاحظه یا هدف دارای ماهیت سیاسی، فلسفی، عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی یا هر ماهیت دیگر که بتوان برای توجیه این اعمال به آنها متوسل شد.

۲. جرم بر اساس کنوانسیون‌های ذیل: الف- کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما، ب- کنوانسیون راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی هواپیمایی کشوری، ج- کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت بر ضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک، د- کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگانگیری، ه- کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی، ر- پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوهاى ثابت مستقر در فلات قاره. ۳. جرمی متضمن استفاده از جنگ افزار گرم، اسلحه، مواد انفجاری و مواد خطرناک در جایی که به عنوان ابرازی برای تداوم بخشیدن به خشونت بلا تبعیض و متضمن مرگ یا صدمه جسمی شدید به اشخاص، گروه‌هایی از اشخاص یا جمعیت‌ها یا خسارت مالی شدید به کار روند.<sup>۲</sup>

در روز دوم کنفرانس رُم، اسپانیا یک طرح پیشنهادی را جهت گنجاندن جرایم تروریستی در مقرره‌های حقوقی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تسلیم کرد، اما این طرح پیشنهادی جرایم تروریستی را تعریف نکرده بود. الجزایر، هند، سریلانکا و ترکیه متعاقباً یک طرح پیشنهادی رسمی را برای برگرداندن جرایم تروریستی به وضع قبلی به عنوان یک جرم در حیطه صلاحیت قضایی

<sup>1</sup> See *id.* at 11, 25–104.

<sup>2</sup> Statute for an International Criminal Court, U.N. Doc. A/CONF.183/2/Add.1, 27–28 (Apr. 14, 1998).

<sup>3</sup> See *Proposal Submitted by Spain*, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.1 (June 16, 1998) (re-issued the following day “for technical reasons”).

موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی تقدیم کردند. نسخه بازنگری شده این طرح پیشنهادی یک عمل تروریستی را به شرح زیر تعریف کرده بود:

اول) یک جرم تروریستی با تمام اشکال و تظاهراتش مشتمل بر به کارگیری خشونت بلا تبعیض که علیه افراد بی‌گناه یا اموال مردم انجام می‌شود و برای ایجاد حالت رعب و وحشت و ناامنی در اذهان عموم مردم یا جمعیت‌ها در نظر گرفته شده و منجر به مرگ یا صدمه جسمی شدید، یا آسیب رساندن به سلامت روحی یا جسمی و خسارت مالی شدید می‌شود صرف‌نظر از هرگونه ملاحظه یا هدف دارای ماهیت سیاسی، ایدئولوژی، فلسفی، نژادی، قومی، مذهبی یا هر ماهیت دیگر که برای توجیه آن عمل به کار گرفته شود یک جرم محسوب می‌شود.

دوم) این جرم شامل هر جرم خطرناکی می‌شود که موضوع یک کنوانسیون همه‌جانبه برای از بین بردن جرایم تروریستی باشد که طرفین کنوانسیون را ملزم به استرداد و یا تعقیب مجرم نموده است.<sup>۲</sup> دولت‌هایی هم‌چون باربادوس، دومینیکا، هند، جامائیکا، سریلانکا، ترینیداد و توباگو و ترکیه یک طرح پیشنهادی دیگر را ارائه کردند که کمیسیون مقدماتی را به تعمق فوری در مورد تعریف جرم تروریسم و عناصر آن دعوت می‌کرد.<sup>۳</sup> هم‌چنین اقداماتی در رم به منظور درج جرایم تروریستی در اساسنامه، تحت عنوان جرائم ضد بشری صورت گرفت.<sup>۴</sup>

مطابق تعریف مقرر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مطابق از جنایات علیه بشریت<sup>۵</sup> می‌توان ادعان نمود «جرایم تروریستی تهاجمی است که هدف آن یک جمعیت غیرنظامی می‌باشد و مشروط به آنکه پیرو یک سیاست حکومتی یا سازمانی و یا به منظور پیشبرد چنین سیاستی اجرا شود» دقیقاً به‌عنوان یک جرم ضد بشری در چارچوب شرایط قضایی جهت تعقیب در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد (William A, 2008: 51-53). جرایم تروریستی یسم که مصداق اعمال غیرانسانی منجر به درد و رنج فراوان یا صدمه شدید به جان یا به سلامت روحی و جسمی می‌باشد به

<sup>1</sup> Proposal Submitted by Algeria, India, Sri Lanka and Turkey, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.27 (June 29, 1998)

<sup>2</sup> Proposal Submitted by India, Sri Lanka and Turkey, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.27/Rev.1 (July 6, 1998). Algeria was not cited as a party to the Revised Proposal.

<sup>3</sup> Proposal Submitted by Barbados, Dominica, India, Jamaica, Sri Lanka and Trinidad and Tobago, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.71 (July 14, 1998).

<sup>4</sup> See Recommendation of the Coordinator on "Crimes within the Jurisdiction of the Court", U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.44 (July 7, 1998); U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.44/Corr.1 (July 7, 1998), art. 5(2)(1)(j bis). This proposal contains the same definition of terrorism as the one proposed by India, Sri Lanka, and Turkey. See *supra* note 60.

<sup>5</sup> See ICC Statute, *supra* note 25.

<sup>6</sup> *Id.* art. 7(2)(a).

وضوح به عنوان یک جرم ضد بشری<sup>۱</sup> واجد شرایط اهداف صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد (See: Menon, 2014: 14-16). مع هذا امکان دارد مواردی از جرایم تروریستی موجود باشند که در حدود آستانه جرایم ضد بشری جا نمی‌گیرند، اما اگر کشور متولی توانایی یا تمایلی برای تعقیب تروریست‌ها نداشته باشد باید جهت اجرای عدالت به محضر دیوان کیفری بین‌المللی کشانده شوند (Braber, 2017: 56-58).

در نهایت، طرفداران گنجاندن جرائم مرتبط با مواد مخدر و یا جرایم تروریستی در صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی نتوانستند تعداد کافی از نمایندگان اعزامی را جهت حمایت از این ایده و یا هر گونه تعریفی از این جرائم متقاعد کنند (Kirk, 1998: 12-14).<sup>۲</sup> طرح پیشنهادی دهم جولای ۱۹۹۸ سازمان اظهار نظری را در بر دارد که بدین مضمون است که اگر مقررهای مورد قبول عمومی تا پایان سیزدهم جولای<sup>۳</sup> توسط نمایندگان ذیربط تنظیم شوند می‌توان یکی دو جرم مبتنی بر معاهده را در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی درج کرد. سازمان چنین نوید داد که اگر هیچ تعریف قابل قبول برای عموم حاصل نگردد این جرائم به طریق دیگری مثلاً توسط یک پروتکل یا کنفرانس بازنگری منعکس خواهند شد.<sup>۵</sup>

اما در نهایت هیچ نامی از جرایم تروریستی یا قاچاق مواد مخدر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برده نشد. کنفرانس رُم قطعنامه‌ای را پذیرفت که توصیه می‌کرد یک کنفرانس بازنگری با هدف رسیدن به تعریفی قابل قبول و درج این جرائم در فهرست جرائم مشمول صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی به بررسی جرایم تروریستی و قاچاق مواد مخدر بپردازد. هلدن یک طرح پیشنهادی را برای گنجاندن جرایم تروریستی در صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی ارائه کرد.<sup>۴</sup> اما تصمیم بر آن شد که طرح پیشنهادی در کنفرانس بازنگری که از ۳۱ مه الی ۱۱ مه ژوئن سال ۲۰۱۰ در کامپالای اوگاندا برگزار می‌شد تحت بررسی قرار نگیرد. مجمع کشورهای عضو

<sup>۱</sup> ICC Statute, *supra* note 25, art. 7(1)(k).

<sup>۲</sup> In the debate in the Committee of the Whole on the Bureau's *Discussion Paper*, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.53 (July 6, 1998).

<sup>۳</sup> *Bureau Proposal*, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.59 (July 10, 1998).

<sup>۴</sup> *Id.* art. 5.

<sup>۵</sup> *Id.*

<sup>۶</sup> Resolution E, Final Act of the United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, U.N. Doc. A/CONF.183/10 (July 17, 1998).

<sup>۷</sup> Assembly of States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court: Eighth Session, The Hague, November 18–26, 2009, U.N. Doc. ICC-ASP/8/20, Appendix III (at 65–66).



یک کارگروه را دایر کرد تا پس از نهمین اجلاس اش به بررسی اصلاحیه های پیشنهادی بپردازد.<sup>۱</sup> کارگروه اصلاحیه ها در نهمین اجلاس خود که از ششم تا دهم دسامبر ۲۰۱۰ در نیویورک برگزار گردید درصدد برآمد در طول مشاوره های غیررسمی در نیویورک بین اجلاس نهم و دهم مجمع کشورهای عضو طی سال ۲۰۱۱ به بررسی اصلاحیه های پیشنهادی بپردازد.<sup>۲</sup>

شاید حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بیش از هر حادثه ای بر ضرورت درج جرایم تروریستی به عنوان یک جرم در چارچوب صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین المللی تأکید کرده باشند. مادامی که جرایم تروریستی به طور آگاهانه از صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین المللی حذف می شد، باز هم مؤلفه ای افزوده از جرائمی بود که در چارچوب صلاحیت قضایی موضوعی دیوان قرار می گیرند (Axworthy, 2002: 756-757). اگر به عنوان ابزار جنگ به جرایم تروریستی توسل شود می توان آن را به عنوان یک حمله عمدی با هدف جمعی غیرنظامی یا با هدف غیرنظامیان فردی که در مخاصمات نقش مستقیمی ندارند تحت تعقیب قرار داد. این مصادیق بی ارتباط با این مسئله هستند که مخاصمات واجد شرایط یک درگیری مسلحانه بین المللی باشند<sup>۳</sup> یا درگیری مسلحانه ای باشند که فاقد ویژگی بین المللی است.<sup>۴</sup>

در نهایت باید اذعان داشت مادامی که دیوان کیفری بین المللی در آینده بتواند واجد صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی باشد، در آن صورت علی رغم رعایت اصل حاکمیت دولت ها در پرتو اصل صلاحیت تکمیلی و تثبیت برخورد کیفری نهادینه با این گونه جرایم، مسائلی نظیر آستانه بالا برای اعمال صلاحیت و عدم همکاری احتمالی دولت های غیر عضو می تواند چالش برانگیز باشد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۳).

## نتیجه گیری

سرکوب جرایم تروریستی در گرو اراده کشورها برای مقاومت در برابر کسانی است که به خشونت افراطی به عنوان وسیله ای برای دستیابی به اهداف متوسل می شوند. اما موانع چالش زا تشخیص این

<sup>۱</sup> Resolution ICC-ASP/8/Res.6, 4 (Nov. 26, 2009); Press Release, Int'l Criminal Court, The Assembly of States Parties to the Rome Statute Opens Its Ninth Session (July 12, 2010), available at <http://www.icccpi.int/menus/asp/press/parties/session>.

<sup>۲</sup> Assembly of States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court, Ninth Session, New York, U.S., Dec. 6-10, 2010, *Official Records*, para. 7, ICC-ASP/9/20 (Vol. I), Annex II.

<sup>۳</sup> ICC Statute, *supra* note 25, art. 8(2)(b)(i).

<sup>۴</sup> *Id.* art. 8(2)(e)(i).

مسأله که «آیا جرایم تروریستی تا سطح جرائمی ارتقاء می یابد که صلاحیت جهانی را بر می انگیزند؟» حداقل در حال حاضر به قدری جنجال برانگیز است که در نبود شناخت بیشتر از جرایم تروریستی در محاکم ملی و بین‌المللی مرتفع نخواهند شد. تابعیت جرایم تروریستی از یک دادگاه قضایی بین‌المللی هم موجب بروز مشکلاتی در تعریف و متمایزسازی جرائم فراملیتی و جرائم بین‌المللی می شود، باید در دسته بندی تأثیر جرایم تروریستی بر این دو نوع جرم جهت تعیین یک دادگاه مناسب نیاز به دقت نظر دارد.

اگر جرایم تروریستی که دارای ماهیت بین‌المللی و برون مرزی شناخته شده اند به ضرورت وجود صلاحیت جهانی تعبیر شوند آن وقت تکلیف جرایم تروریستی داخلی که تمام نشانه های جرایم ضد بشری و دیگر اعمال بسیار منفور نظیر وارد کردن شوک به وجدان جهانیان را دارند چه خواهد شد. با این همه، مبارزه با کلیه اشکال و ظواهر جرایم تروریستی، تنها به همکاری، مساعدت و در نهایت اجماع و اراده جهانی نیاز دارد؛ چرا که جرایم تروریستی خود ابزار راهبردی ملاحظات سیاسی، اقتصادی و نظامی دولت‌ها در نیل و اهداف و مقاصد متجاوزانه است. از اینرو، در نیل به این امر ضرورت دارد تا ضمن اجماع، توافق نظر و همراهی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در پیشگیری، منع و سرکوب جرایم تروریستی، شرایطی در احیای امنیت و صلح عادلانه بین‌المللی فراهم گردد. افزون بر این، در صورت عدم ملاحظات سیاسی از سوی دولت‌ها، وجود محاکم کیفری بین‌المللی به ویژه دیوان کیفری بین‌المللی توانایی تعقیب مرتکبان جرایم تروریستی و رسیدگی به آن را دارد.

## فهرست منابع

- آزمایش سیدعلی (۱۳۸۰). نگرشی نو به مفهوم تروریسم، پژوهش حقوق عمومی، ۳(۴)، ۱۸۵-۲۰۳.
- اشرف‌الدین، سیدولی‌نور؛ حاجی‌تبارفیروزجائی، حسن و احسانپور، سیدرضا (۱۴۰۰). سازوکارهای مبارزه با جرایم تروریستی در حقوق ایران با تأکید بر امنیت ملی، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳(۴)، ۲۴۳-۲۵۶.
- سلیمی‌ترکمانی، حجت (۱۳۹۷). تروریسم و نظام عدالت کیفری: دیوان کیفری بین‌المللی یا دادگاه مختلط؟، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲(۹)، ۱۸۳-۲۰۹.
- شاه، ملک (۱۳۷۴). حقوق بین‌الملل، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
- صمدی، محمدناصر و علمیار، ثناءالله (۱۴۰۰). بررسی جرم‌شناختی جرایم تروریستی، یافته‌های حقوقی، ۱(۲)، ۹۳-۱۲۰.
- فرهادنیا، سعید و هنجنی، سیدعلی (۱۳۹۸). چالش‌های حقوق بین‌الملل کیفری در مبارزه با تروریسم، پژوهش‌های حقوقی، ۱۸(۴۰)، ۷-۲۹.
- خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۹). امکان‌سنجی تعقیب کیفری آمران ترور شهید سلیمانی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲(۷)، ۲۵-۶۲.
- ضیایی، سیدیا سر و حکیمی‌ها، سعید (۱۴۰۰). شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل، پژوهش حقوق عمومی، ۵۳(۱۸)، ۹۷-۱۲۲.
- کهندانی، محسن و رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۹). تضمین‌های حقوق شهروندی متهمان جرایم تروریستی در مرحله تحقیقات؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلستان و مصر، دانشنامه‌های حقوقی، ۳(۷)، ۱۵۷-۱۸۷.
- کیخا، محمدرضا؛ امیرمحمدی، علی و امیرمحمدی، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی موازین جرم تروریسم در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱(۲۳): ۱۱۱-۱۵۰.
- کرم‌زاده، سیامک (۱۳۸۲). تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱(۷)، ۱۶۵-۱۸۰.
- مؤمنی، مهدی (۱۳۹۶). ارزیابی اعمال صلاحیت جزایی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات ارتكابی داعش در سوریه و عراق، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱(۲۱)، ۱۴۹-۱۷۶.
- میرمحمدصادقی، حسین و قدیری‌بهرام‌آبادی، رشید (۱۳۹۴). نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرایم تروریستی، پژوهش حقوق کیفری، ۱۳(۴)، ۴۱-۹.
- هاشمی، کامران (۱۳۸۰). حقوق اسلامی در تقابل با تروریسم بین‌المللی، راهبرد، ۳(۹)، ۱۵۷-۱۳۴.
- Alizade, Vera (2021), "Criminalization of International Terrorism in International Law", [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=3763673](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3763673)
- Baumer-Schuppli, Fabian (2020), "The Proliferation of Definitions of Terrorism in International Law: A Story of Failed Symbolism and Premature Universal

- Jurisdiction”, *Contemporary Challenges: The Global Crime, Justice and Security Journal*, 1: 23-42.
- Braber, Inez (2017), “Terrorism as a New Generation Transnational Crime: Prosecuting Terrorism at the International Criminal Court”, in: *Legal Responses to Transnational and International Crimes Towards an Integrative Approach*, Edited by Harmen Van Der Wilt and Christophe Paulussen, Edward Elgar Publishing, T.M.C. Asser Instituut, the Netherlands.
- Zagaris, Bruce (2008), “French Prosecutors Dismiss Torture Case Against Rumsfeld”, *24 International Enforcement Law Reporter*, 84: 112-134.
- Cassese, Antonio (1989), *Terrorism, Politics and Law*, Cambridge University.
- Menon, Sundaresh (2014), “International Terrorism and Human Rights”, *Asian Journal of International Law*, 1(4): 1– 33.
- Krzan, Bartłomiej (2020), “The UN Security Council and International Terrorism”, in: *Polish Yearbook of International Law*, 40: 79–92, <https://czasopisma.inp.pan.pl/index.php/pyil/article/view/2755>
- Hafetz, Jonathan (2015), “Terrorism as an International Crime?: Mediating Between Justice and Legality”, *Proceedings of the ASIL Annual Meeting*, 109: 158 - 161.
- Hanson, Michael (2020), “State Sponsorship: An Impediment to the Global Fight against Terrorism”, *Groningen Journal of International Law*, 7(2): 132-144.
- Parrish, Austen L. (2009), “Reclaiming International Law from Extraterritoriality”, *93 Minnesota Law Review*, 93: 815-866.
- Gordon, Richard (2008), “Trusts or Terrorists? Financial Institutions and the Search for Bad Guys”, *Wake Forest Law Review*, 43(9): 699-708.
- Golden, Audrey (2008), “Comment, Monkey Read, Monkey Do: Why the First Amendment Should Not Protect the Printed Speech of an International Genocide Inciter”, *Wake Forest Law Review*, 43: 1149-1159
- Helfer, Laurence R. & Anne-Marie Slaughter (2005), *Why States Create International Tribunals: A Response to Professors Posner and Yoo*, *California Law Review*, 3(93): 899-956.
- Roele, Isobel (2022), “Style Management: Images of Global Counter-Terrorism at the United Nations”, *Law and Critique*, 33: 273–297.
- Saul, Ben (2020), *Research Handbook on International Law and Terrorism*, *Research Handbooks in International Law series*, 2nd edition, Edward Elgar Publishing.

- Shane, J.M. (2009), "September 11 Terrorist Attack Against the United States and Law Enforcement Response", in: M.R. Haberfeld, A. Von Hassell (eds), A New Understanding of Terrorism, Springer, Business Media, LLC.
- Simon, TW (2016), Genocide, Torture, and Terrorism, Palgrave Macmillan US, New York.
- Robinson, Patrick (2002), "The Missing Crime", in: The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary, 1: 510-513.

